

Evaluation the Psychosocial Challenges of Afghan Immigrant Male Adolescents

Ali Azimi 

M.Sc. in Counseling, Counseling Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Maryam Hayati * 

M.Sc. in Counseling, Counseling Department, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Kianoush Zahrakar 

Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

1. Introduction

Migration is as old as the history of mankind and it is one of the ways of humans to adapt to their difficulties, but this action is not always accompanied by positive results and has negative consequences. Adolescence, when linked with migration problems, creates a variety of challenges that have adverse effects on society. Although immigrant teenagers have many positive forces such as family that influence them, adverse experiences such as discrimination and structural violence in the context of society have harmful effects on their well-being and cause emotional and behavioral problems. The purpose of this research was to Evaluation the psychosocial challenges of Afghan immigrant adolescents living in Rafsanjan.

2. Literature Review

Sharifi Yazdi and FirouzAbadi (2022) In a study on the topic of understanding the phenomenon of feeling of failure and its consequences among the immigrants in Tehran, with a qualitative method and with 65 participants, they showed that the experiences of failure of immigrants with consequences such as reduced social participation, feelings of discrimination and exclusion, feelings of helplessness, mental pressure, decreased feelings Belonging and social isolation are associated.

* Corresponding Author: thealiazimi@yahoo.com

How to Cite: Azimi, A; Hayati, M; Zahrakar, K. (2023). Evaluation the psychosocial challenges of Afghan immigrant male adolescents, *Journal of Social Work Research*,10(37). 169-208.

In the study of Pierre Et al (2022) which was conducted on the topic of identifying discrimination and anxiety symptoms in immigrant adolescents, they confirmed that perceived ethnic discrimination was significantly associated with more anxiety symptoms such as panic disorder, general anxiety, social anxiety, and fear of school. it is related.

Also, Duinhoff et al. (2020) in a study that compared 11-16-year-old native Dutch and immigrant teenagers, confirmed that immigrant teens are at a higher risk for behavioral problems and peer relationship problems compared to native teens, and this relationship is up to It is somewhat independent of their economic status.

The findings of Walsh et al. (2019) in a one-year follow-up study with 146 immigrant adolescents from Russia and Ethiopia in Israel determined that during the critical period of adolescent development, the immigrant's feelings of discrimination may turn into internalized negative emotions. that these feelings lead to creating deviant behaviors. The results of this research indicate the necessity of helping teenagers to process and understand their discriminatory experiences.

3. Methodology

In the spring of 1402, 14 people from this group, who had lived in Rafsanjan for at least two years, were selected by purposeful sampling. The method of this research was descriptive phenomenology and data were obtained using semi-structured interviews and 2 final interviews were conducted to ensure data saturation. The content of the interview was coded with the seven-step method of Claysey. And finally, 72 sub-themes and 17 main themes were extracted and these items were placed in five core themes "psychological problems, cultural-communication challenges, job challenges, problems related to lifestyle change and family challenges".

4. Conclusion

The findings of the present study showed that the hardships of the immigration process, along with bad memories and the challenges of adapting to the new culture in this age range, made adolescents vulnerable to mental health problems and social harms. Therefore, in order to have healthy and empathetic people, our society should have more cultural acceptance of this group and mental health services should be provided according to them. Considering that the present research was conducted on a limited group of immigrant teenagers in Rafsanjan, the generalization of the results to other groups should be done with more caution. However, in qualitative studies, the generalization of the results is not the goal of the researcher. Another limitation in this study is related to the interview process, which despite the researcher's efforts

to avoid any bias in the research process, their analysis may have influenced the interview results. At the same time, in order to clarify each of the challenges, it is suggested to conduct similar researches in other cities with different methods. Also, according to the findings of this research, in order to solve each of the challenges, it is necessary to formulate a plan so that these teenagers can access special mental health services in places such as schools. And by holding educational workshops, teachers, counselors and social workers who are in contact with this group will be informed about strategies to provide more effective services to provide services that are suitable for this group.




Acknowledgments

The researchers hereby express their gratitude to all the participants in this research

Keywords: psychological challenges, social challenges, adolescents, Afghan immigrants



بررسی چالش‌های روانی و اجتماعی نوجوانان پسر مهاجر افغانستانی

- علی عظیمی *  کارشناس ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
- مریم حیاتی  کارشناس ارشد مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
- کیانوش زهرا کار  استاد گروه مشاوره، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده

مهاجرت همواره با نتیجه صرفاً مثبت همراه نیست و پیامدهای متنوعی را در خود دارد. هدف از پژوهش حاضر بررسی چالش‌های روانی و اجتماعی نوجوانان مهاجر افغانستانی ساکن شهر رفسنجان بود. در بهار سال ۱۴۰۲ تعداد ۱۴ نفر از این گروه که حداقل دو سال اقامت در ایران داشتند، به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. روش این پژوهش از نوع پدیدارشناسی توصیفی بود و داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته به دست آمدند و ۲ مصاحبه انتهایی جهت اطمینان از اشباع داده‌ها انجام گرفت. محتوای مصاحبه با روش هفت مرحله‌ای کلایزی کدگذاری شد؛ و در نهایت ۷۲ مضمون فرعی و ۱۷ مضمون اصلی استخراج شد و این موارد در پنج مضمون هسته‌ای «مشکلات روان‌شناختی، چالش‌های فرهنگی-ارتباطی، چالش‌های شغلی، مشکلات مربوط به تغییر سبک زندگی و چالش‌های مربوط به خانواده» قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سختی‌های فرایند مهاجرت در کنار خاطرات بد و چالش‌های سازگاری با فرهنگ جدید و نگرش‌های تعصب‌آمیز در این بازه سنی، نوجوانان را در برابر مشکلات سلامت روان و آسیب‌های اجتماعی آسیب‌پذیر ساخته؛ بنابراین جامعه ما برای داشتن افراد سالم و همدل باید از پذیرش بیشتر فرهنگی در مورد این گروه برخوردار باشد و خدمات سلامت روان متناسب با آنان ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: چالش‌های روانی، چالش‌های اجتماعی، نوجوانان، مهاجر افغانستانی

مقدمه

مهاجرت قدمتی به‌اندازه تاریخ بشریت دارد (زرقانی و موسوی، ۱۳۹۲: ۷) و یکی از راه‌های انسان برای انطباق با دشواری‌های خود بوده اما این عمل همواره با نتیجه صرفاً مثبت همراه نیست و پیامدهای منفی‌ای را در خود دارد (بخشی، ۱۳۹۶: ۲۰).

با توجه به مطالعه منابع مختلف در زمینه جمعیت مهاجران افغانستانی و همچنین روی کار آمدن دولت طالبان در سال‌های اخیر آمار قابل استنادی از جمعیت آنان ثبت نشده است.

نوجوانی دوره‌ای حساس است که فرد برای زندگی آینده آماده می‌شود (Matian, 2021: 25) و دوره کسب هویت و شخصیت هست. چالش‌های خاص این دوره و چگونگی برخورد با این چالش‌ها اهمیت بسزایی دارد. دوره نوجوانی وقتی با مشکلات مهاجرت پیوند می‌خورد چالش‌های متنوعی را ایجاد می‌کند که اثرات نامطلوبی را برای جامعه به همراه دارد (سنقری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۱)؛ بنابراین نوجوانان مهاجر می‌توانند با چالش‌های سخت‌تر و بیشتری نسبت به نوجوانان عادی روبه‌رو شوند.

در این دوره چنانچه افراد شرایط ادغام اجتماعی برایشان فراهم نباشد، نه تنها ارزش‌ها را در خود درونی نمی‌کنند بلکه در مواردی دچار انزوای اجتماعی نیز می‌شوند و ممکن است خرده‌فرهنگ‌های جدید و مشکل‌آفرینی را ایجاد کنند (Rich Madsen et al, 2021: 11-12). در نتیجه نوجوانان مهاجر نه تنها با مسائل فردی همراه هستند بلکه مسائل اجتماعی نیز برای آنان وجود دارد.

اگرچه نوجوانان مهاجر نیروهای مثبت زیادی مانند خانواده دارند که بر آنان تأثیر می‌گذارند، ولی تجربیات نامطلوب مانند تبعیض و خشونت ساختاری موجود در بافت جامعه، تأثیرات مضری بر بهزیستی آنان دارد و موجب مشکلات هیجانی و رفتاری می‌شود (Adair, 2015: 13)؛ (Valdez et al, 2023: 16). علاوه بر این نوجوانان مهاجر خدمات آموزشی، اجتماعی و اقتصادی کافی دریافت نمی‌کنند و پرداختن به کار و مسائل اقتصادی

که متناسب با سن و روحیه آنان نیست موجب سرکوب شدن نیازهای عاطفی و روانی آنان نیز می‌شود (Kirmayer, 2011: 961).

تفاوت نوجوان مهاجر با جامعه میزبان خود به این نابرابری‌های اجتماعی، محدود نمی‌شود. بلکه تفاوت‌های فرهنگی را نیز به همراه دارد و این نوجوانان برای رشد مطلوب، نیاز به سطح بالایی از حمایت‌های اجتماعی در کنار ارتقا مهارت‌های بین فرهنگی دارند (Schwarzenthal, 2022: 311)؛ زیرا بسیاری از افراد مهاجر در رابطه با زبان کشور جدید، دانش زبانی محدودی دارند که به شکل‌های مختلفی می‌تواند بر شایستگی‌های اجتماعی آنان اثرگذار باشد و آنان را از جامعه کنار بزند (Markowsky et al, 2022: 11).

می‌توان نتیجه گرفت مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی برای شکل‌گیری صحیح هویت نوجوانان مهاجر بسیار مهم و تأثیرگذار است. فرهنگ و تأثیرات آن بر نوجوانان مهاجر قابل چشم‌پوشی نیست به طوری که مطالعات چالش‌های مربوط به خانواده پناهندگان افغانستانی نشان می‌دهد که مشکلات سلامت روان مهاجران نیز به دلیل فرسایش ارزش‌های فرهنگی خانواده تقویت می‌شوند (Stampeel et al, 2017: 81). پویایی‌های خانواده تغییر می‌کند (Chuang & Costigan, 2018: 1) و هر تغییری می‌تواند استرس‌زا باشد، والدین نیز از معیارهای فرهنگ پیشین خود فاصله می‌گیرند (Michael & Yakhnich, 2022: 451-455).

با این شرایط مهاجران باید با تغییرات زیادی حتی در سطح خانواده خود دست‌وپنجه نرم کنند چنین تجربیاتی را می‌توان به عنوان رویدادهای حیاتی زندگی توصیف کرد و ممکن است باعث استرس شود و به عنوان چالش‌های سلامت روان شناخته شوند (Runge et al, 2022: 451).

شوربختانه با وجود آنکه نوجوانان مهاجر استرس‌های منحصر به فردی مرتبط با مرحله رشد، تجربیات در مدرسه و گروه‌های همسالان و تغییر نقش‌ها در سیستم‌های خانواده دارند به اندازه غیر مهاجران به خدمات بهداشت روان دسترسی ندارند (Rodriguez et al, 2020: 189-190). و در مقایسه با جمعیت عمومی کمتر به دنبال خدمات بهداشت روان

هستند و یا به آنان ارجاع داده می‌شوند. فرض بر این است که این میزان پایین استفاده از خدمات سلامت روان منعکس‌کننده موانع فرهنگی و زبانی است (Sieffien et al, 2020:1-2).

برای شناسایی رایج‌ترین چالش‌های ارائه خدمات بهداشتی در کشور ایران در مصاحبه با پزشکان و روانشناسان مهاجران افغانستانی، شهر تهران، نبود پوشش بیمه‌ای برای همه مهاجران و نبود سیستم غربالگری هنگام ورود مهاجران از مرزها، به عنوان چالش سازمانی در ارائه خدمات به این گروه و نگرش منفی نسبت به مهاجران افغانستانی، به عنوان چالش اجتماعی مشکل‌ساز شناخته شده شد (Takbiri et al, 2020: 259).

ولی مطالعات بسیار کمی پویایی زندگی مهاجران از دیدگاه آنان را ثبت کرده‌اند (Berezina et al, 2023: 757) و در ایران مطالعه‌ای به این منظور انجام نشده است این مطالعه از این جهت ضرورت می‌یابد که چالش‌های نوجوانان مهاجر با توجه به پذیرش فرهنگی جمعیت مهاجرپذیر متفاوت خواهد بود (Palmer et al, 2023: 10-12).

غالب پژوهش‌ها پیشین به مقایسه افراد مهاجر و غیر مهاجران در مناطق گوناگون پرداخته و از این طریق اقدام به شناسایی تأثیرات مهاجرت کرده‌اند. همان‌طور که گفته شد پژوهش‌های گذشته اثرات متنوعی را نشان دادند که این موارد می‌تواند سازمان‌های ملی و بین‌المللی را برای اقدام مؤثر یاری دهد اما آنچه این موضوع را حساس می‌کند این مورد است که نمی‌توان به نتایج تحقیقات خارجی برای افرادی از کشورهای دیگر یا ساکن در کشوری دیگر برای مهاجران افغانستانی ساکن ایران اکتفا کرد، همچنین در پژوهش‌های گذشته کمتر به این برمی‌خوریم که با رویکرد پدیدارشناسانه چالش‌های روانی و اجتماعی نوجوانان مهاجر مطالعه شده باشد.

بنابراین پژوهش حاضر با شیوه پدیدارشناسی این امکان را فراهم می‌کند تا چالش‌های روانی و اجتماعی نوجوان در مهاجرت از افغانستان به ایران از دید و کلام خود آنان بررسی شود. شناسایی چالش‌های نوجوان مهاجر از دید نزدیک‌ترین افراد به این موضوع که خود آنان هستند می‌تواند راهنمایی برای اقدام مؤثر در بهبود وضعیت آنان و راهنمایی برای

اقدامات پیشگیرانه در جهت ورود مهاجران جدید باشد بنابراین هدف پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش است که چالش‌های روانی و اجتماعی نوجوانان پسر مهاجر افغانستانی در ایران چیست؟

مبانی نظری

با توجه به اینکه روش پدیدارشناسانه برای پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است این مطالعه دارای نظریه هدایت‌کننده نیست ولی در جهت آشنایی بیشتر با زمینه پژوهش برخی مفاهیم شرح داده می‌شوند. مهاجرت و سلامت اجتماعی و روانی هر کدام در علوم مرتبط با خود مورد توجه شایسته‌ای قرار گرفته‌اند. با این حال، بیشتر پژوهشگران ارتباط بین این دو فرآیند را بررسی کرده‌اند. شواهد نشان می‌دهد که مهاجرت و سلامت به روش‌های پیچیده‌ای درهم تنیده شده‌اند. سلامتی می‌تواند بر تصمیم برای جابه‌جایی تأثیر بگذارد و مهاجرت ممکن است بر سلامت افرادی که نقل مکان می‌کنند، کسانی که می‌مانند و شاید حتی کسانی که میزبان مهاجران هستند تأثیر بگذارد (Hall, 1979: 25).

مطالعه سلامت در زمینه مهاجرت درک بهتری از پیچیدگی و تنوع فرآیند مهاجرت ارائه می‌دهد، زیرا مهاجرت به یک پدیده گسترده و پایدار تبدیل شده است که ساختار واحدهای خانواده و جوامع را در دنیای فعلی تغییر می‌دهد. مهاجرت راهی برای سازگاری با محیط و چالش‌های آن بوده، بر اساس نظریه مدل‌های جاذبه و دافعه، عوامل اقتصادی و فیزیکی نامناسب در یک مکان موجب می‌شود افراد محل زندگی خود را ترک کرده و مکان دیگری که از نظر اقتصادی و فیزیکی در شرایط بهتری قرارداد نقل مکان کنند (Kumpikaite & Zickute, 2012: 387).

قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم دیدگاه جاذبه و دافعه در امر مهاجرت مطرح شد. در این مدل‌ها توجه اصلی به دو عامل اساسی یعنی عوامل دافعه از جامعه مبدأ و همچنین عوامل جاذبه جامعه مقصد است. با توجه به این دیدگاه نظری می‌توان این گونه اندیشید که عوامل مختلف اقتصادی اجتماعی و امنیتی در یک محل می‌تواند باعث مهاجرت از یک

نقطه به نقطه دیگر شود (حاجی حسینی، ۱۳۸۵: ۳۵-۳۸). در مورد مهاجران افغانستانی نیز این دافعه را باید نبود زیرساخت‌های لازم برای تحصیل فرزندان و زنان در افغانستان دانست و جاذبه را فرهنگ مشترک با ایران نشان داد (شوازی و صادقی، ۲۰۱۵: ۱۰-۱۳).

با این حال نظریه استرس اقلیت^۱ نشان می‌دهد افراد اقلیت در معرض فشارهای اجتماعی، فرهنگی و سازمانی قرار دارند که ممکن است به آن‌ها آسیب برساند. این استرس‌ها می‌توانند از طریق خدمات بهداشت ناکافی، یا تجربه تبعیض به وجود آید و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر سلامت افراد تأثیر بگذارد. مهاجران، نیز به عنوان یک گروه اقلیت، ممکن است با چالش‌ها و استرس‌هایی همچون تغییر فرهنگ، جدایی از خانه و خانواده و تبعیض مواجه شوند (Valentín-Cortés et al, 2020: 325).

نظریه تهدید یکپارچه نیز یکی از نظریه‌هایی است که دربارهٔ جوامع مهاجرپذیر داده شده است، در این نظریه گفته می‌شود که در افراد بومی ترس از زایل شدن فرهنگ، جایگاه اجتماعی، منافع مالی موجب تهدید یکپارچگی جامعه خواهد شد و این می‌تواند تأثیرات منفی بر تصمیمات، اعتقادات و رفتارهای افراد داشته باشد. یکی از جوانب اصلی این نظریه این است که افراد در تلاش برای مقابله با تهدید یکپارچگی جامعه ممکن است به تقویت هویت گروهی خود یا ابراز تفاوت‌ها با گروه مهاجر بپردازند. این نظریه می‌تواند بخشی از رفتارهای منفی جوامع میزبان را علت‌یابی کند (Rick et al, 2006: 363) که بدون تردید بر سلامت روانی اجتماعی مهاجران تأثیر خواهند گذاشت.

نظریه تعامل اجتماعی از هربرت بلومر، جامعه‌شناس آمریکایی با تأکید بر اهمیت تعاملات میان افراد و نقش آن در ساختارهای اجتماعی، معتقد بود که این تعاملات تأثیر بسزایی در شکل‌گیری هویت و رفتار افراد دارند. او ایده آن را جلب کرد که افراد از طریق تعاملات اجتماعی با دیگران، نه تنها معنی و هویت فردی خود را پیدا می‌کنند بلکه به عنوان اعضای جوامع بزرگ‌تر نیز شکل می‌گیرند (Stryker & Vryan, 2003: 21).

1. Minority Stress

نظریه تعادل اجتماعی از فردریک هرز برگر نشان می‌دهد اگر ارتباطات فرد با افراد دیگر در یک جامعه متعادل و هماهنگ باشد، این وضعیت موجب سلامت روانی اجتماعی فرد خواهد شد. این نظریه بر ایده تعادل در نگرش‌ها، اعتقادات و رفتارهای اجتماعی تأکید دارد (Abrahamsson & Johansson, 2013: 1-10) همچنین نظریه شناختی که در عصر حاضر در تبیین رفتار و روان‌درمانی پرتکرار است در تبیین مهاجرت به کار گرفته شده است و نشان داده که مهاجرت یک فرآیند پیچیده است که تأثیرات ذهنی فرد را در مواجهه با تغییرات فرهنگی، زبانی و اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

در این راستا، نظریه شناختی می‌پذیرد که فرد در مواجهه با مهاجرت، به تجربیات گذشته خود، الگوهای فکری و یادگیری‌های فردی خود بازمی‌گردد. تفکر، ادراک و تعبیرات ذهنی فرد نقش مهمی در درک و انطباق با محیط جدید دارند (Hart et al, 2011: 269-280) این فرایند در هر بازه سنی می‌تواند متفاوت باشد پژوهش حاضر سن حساس نوجوانی را مدنظر قرار می‌دهد مرحله انتقالی از کودکی به دنیای بزرگ‌سالی است با تحولات جسمی، اجتماعی، هویت‌یابی، رشد در سیستم مغزی، رشد تمایل استقلال‌طلبی قابل‌شناسایی است (Sawyer et al, 2018: 223-225).

دوره رشدی نوجوانی تحت تأثیر چندین سیستم، از جمله سیستم‌های بیولوژیکی، روان‌شناختی و اجتماعی است. در این دوره تغییرات سریع بیولوژیکی و روانی با تغییرات محیطی همراه می‌شود که در نتیجه آن استقلال فردی گسترش می‌یابد. همچنین این بازه زمانی با ظهور و افزایش نرخ مشکلات سلامت مثل افسردگی و اضطراب همراه است و افراد به توانایی‌ها و بینش‌های شناختی جدید مثل ادراک جدید خود و درک نقش خود در جامعه می‌رسند؛ و بسته به عواملی مانند خانواده، بافت فرهنگی، محیط مذهبی و جامعه می‌توانند از این دوره به عنوان یک دوره گذار عبور کنند (Rogers et al, 2020: 1082-1087). پرداختن به این دوره حساس رشدی و شناسایی تجارب نوجوانانی که تجربه مهاجرت را دارند از دید خود آنان موجب اجرای این پژوهش شده است.

پیشینه پژوهش

شریفی یزدی و فیروزآبادی (۱۴۰۰: ۱۹۳) در مطالعه‌ای با موضوع فهم پدیده احساس شکست و پیامدهای آن که در میان مهاجران شهر تهران، با روش کیفی و با ۶۵ نفر شرکت‌کننده نشان دادند تجارب شکست مهاجرین با پیامدهایی مانند کاهش مشارکت اجتماعی، احساس تبعیض و طردشدگی، احساس ناتوانی، فشار روحی، کاهش احساس تعلق و انزوای اجتماعی همراه است. طرد و فرسایش سرمایه اجتماعی مهاجران موجب حس دیگری بودن، فاصله‌گیری، ترس و ناتوانی برای ادغام اجتماعی می‌شود. درنهایت، نتایج این پژوهش نشان داد که مهاجران برای محافظت از خود در برابر احساس شکست استراتژی‌هایی چون فاصله‌گیری، مدارای اجباری، مقابله به مثل یا مهاجرت دوباره را پیشه می‌کنند.

میرزایی (۱۳۹۶: ۱۹۲) در پژوهشی با موضوع راهبردهای فرهنگ پذیری و بهداشت روانی مهاجرین افغانستانی که با استفاده از روش‌های انسان‌شناختی مصاحبه‌های ژرفانگر و با بهره‌گیری از چارچوب مفهومی راهبردهای فرهنگ پذیری و سرمایه اجتماعی به جنبه‌های اساسی مسئله بهداشت و آسایش روانی مهاجرین افغانستانی ساکن در شهرک قائم قم پرداخت به این یافته دست یافت که هر مهاجر نسبت به شرایط محیطی و شخصیتی خود راهبرد ویژه‌ای را برای فرهنگ پذیری (انطباق، همانندی، جدایی و حاشیه‌گزینی) انتخاب می‌کند که پیامدهای هر کدام متفاوت از دیگری است. بسته به انتخاب یا تحمیل هر کدام از این راهبردها، میزان آسایش روحی- روانی او در محیط جدید متفاوت خواهد بود. آن‌ها در این پژوهش نشان دادند که در دو راهبرد اول، مهاجر از آسایش بیشتر و اضطراب کمتر نسبت به دو راهبرد آخر برخوردار خواهد بود.

(Keykaleh et al, 2017: 3) در مروری نظام‌مند در مطالعات گذشته مشخص کردند که نوجوانان پناهنده با آسیب‌های گوناگونی مثل اضطراب، استرس پس از سانحه، اختلالات روان‌تنی، افسردگی و کمبود سازگاری اجتماعی عاطفی روبه‌رو هستند. و این

موارد مطرح شده در نوجوانانی که علاوه بر چالش‌های مهاجرت دوری از خانواده را نیز تجربه می‌کنند بیشتر است.

حمیدی و همکاران (۱۳۹۹: ۳۱) در پژوهش آزمایشی و از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل و جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان دختر افغان در دو مدرسه دولتی منطقه ۱۲ تهران در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ به نشانه‌های اضطراب اجتماعی در آنان رسیدند.

سنقری، فکری آزاد و معارف‌وند (۱۳۹۳: ۱۲۴) در پژوهشی که با روش کیفی و با عنوان موانع ادغام اجتماعی نوجوانان افغانستانی در جامعه ایرانی انجام گرفت، نداشتن مهارت‌های اجتماعی در روابط، مقاومت خانواده در برابر تغییر، تجربه تبعیض، توهین، طرد شدن و برجسب‌های اجتماعی در جامعه را از موانع ادغام اجتماعی آنان یافتند.

در پژوهشی صادقی و همکاران (۱۳۹۵: ۱) با روش کیفی و مصاحبه نیمه ساختاریافته به بررسی شکل‌گیری هویت نوجوانان افغانستانی پرداختند و در یافته‌های خود نشان دادند که مهاجرین افغانستانی توسط ایرانیان مورد تحقیر و بی‌احترامی قرار می‌گیرند.

اخلاقی و همکاران (۱۳۹۴: ۱) در پژوهشی با موضوع سردی عاطفی: احساسات مهاجر درباره جامعه میزبان که به روش کیفی و با مصاحبه عمیق انجام شد متوجه احساس نداشتن قدرت و منزلت کافی و نیز احساس عدم اطمینان و بدبینی ایجادشده در رابطه مهاجر با میزبان شدند. در مطالعه (Pierre et al, 2022: 175) که با موضوع شناسایی تبعیض و نشانه‌های اضطراب در نوجوانان مهاجر انجام شد، تأیید کردند که تبعیض قومی درک شده به‌طور قابل‌توجهی با علائم اضطراب بیشتری مانند اختلال هراس، اضطراب فراگیر، اضطراب اجتماعی و ترس از مدرسه مرتبط است.

همچنین (Doinhoff et al, 2020: 435) در پژوهشی که نوجوانان ۱۱ تا ۱۶ ساله بومی هلند و مهاجر را مقایسه کردند، تأیید کردند که نوجوانان مهاجر در مقایسه با نوجوانان بومی در معرض خطر بیشتری برای مشکلات رفتاری و مشکلات ارتباط با همسالان هستند و این ارتباط تا حدودی مستقل از وضعیت اقتصادی آنان است. یافته‌های (Walsh et al, 2019: 65) در مطالعه‌ای که با پیگیری یک‌ساله با ۱۴۶ نوجوان مهاجر از

کشورهای روسیه و اتیوپی در اسرائیل انجام دادند، مشخص کردند که در طول دوره بحرانی رشد نوجوانی، احساس تبعیض در فرد مهاجر ممکن است به احساسات منفی درونی شده تبدیل شود که این احساسات منجر به ایجاد رفتارهای انحرافی می‌شود. نتایج این پژوهش حاکی از لزوم کمک به نوجوانان برای پردازش و درک تجربیات تبعیض آمیز آن‌هاست.

روش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است؛ و به روش پدیدارشناسانه توصیفی انجام گرفته است. از مهم‌ترین دلایل برای مطالعه کیفی، عمیق شدن نسبت به مسائل ناشناخته و وارد شدن به دنیای مشارکت‌کنندگان است؛ و موجب درک روایت، توصیف و توضیح پدیده‌های پیچیده انسانی خواهد شد (Renjit et al, 2021) و روش پدیدارشناسانه معنای خام تجارب زیسته افراد را بدون پیش‌فرض درک خواهد کرد (Peresk & Gibson, 2021).

جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی نوجوانان (۱۵ تا ۱۸ ساله) مهاجر افغانستانی شهر رفسنجان در سال ۱۴۰۲ تشکیل دادند؛ و نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد. فرایند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت و ۱۴ نفر از نوجوانان انتخاب شدند؛ که ۲ مصاحبه انتهایی جهت اطمینان از اشباع داده‌ها انجام گرفت. معیار اصلی برای شرکت در پژوهش تجربه حداقل دو سال زندگی نوجوان افغانستانی در ایران است. معیارهای دیگری برای نمونه‌گیری هدفمند در پژوهش حاضر شامل رضایت والدین و تمایل مشارکت‌کننده به شرکت در پژوهش بود همچنین نوجوانان مشارکت‌کننده مهارت شناختی لازم را برای تبادل تجارب داشتند. در فرایند نمونه‌گیری تلاش شد از میان جامعه مورد مطالعه افرادی با خصوصیات متفاوت سنی، شغلی، خانوادگی و تحصیلی مشخص شوند تا معرف واقعی تفاوت‌های جامعه مورد مطالعه باشند.

جهت جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته با سؤالات باز استفاده شد. نمونه‌ای از سؤالات مصاحبه عبارت بودند از: «یک روز از زندگی‌ات در ایران را برایم

تعریف»، «در ایران بیشتر چه مشکلی برای تو پیش می‌آید»، «مهاجرت چه تأثیری در شرایط زندگی تو داشت» این فرایند در بهار سال ۱۴۰۲ انجام گرفت و زمان هر مصاحبه با توجه به توانایی بیان تجارب مشارکت‌کننده از ۳۰ تا ۶۵ دقیقه متفاوت بود. همچنین تمامی این جلسات با اجازه مشارکت‌کننده ضبط شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش هفت مرحله‌ای کلازیری استفاده شد؛ که شامل این بود که در گام اول تمامی عبارات گفته شده توسط شرکت به منظور مأنوس شدن با گفته‌های آن‌ها توسط پژوهشگران چندین بار خوانده شد سپس در گام دوم جملات مهم استخراج شدند و به معنای هر یک از جملات پی برده شد. در گام سوم مراحل فوق را برای هر مصاحبه تکرار شده و در گام چهارم معانی مرتبط باهم را در کدهای متعدد مورد توجه قرار گرفتند. در گام پنجم نتایج در قالب یک توصیف جامع در مورد پژوهش نمایش داده شد. در گام ششم توصیف جامعی از پدیده مورد مطالعه به عنوان «ساختار ذاتی پدیده» به دست آمد و در گام نهمی از طریق مراجعه مجدد به هر یک از شرکت‌کنندگان و انجام یک مصاحبه منفرد به اعتبارسنجی نهایی یافته‌ها اقدام گردید. همچنین به منظور تقویت اعتبار داده‌ها، نظر و دیدگاه پژوهشگر ناظر در رابطه با تحلیل داده‌ها و کدگذاری آنان در مسیر پژوهش همراه پژوهشگر بود و برای روشن کردن کدها، نقل قول‌هایی از افراد با ویژگی‌های جمعیت شناختی متفاوت ارائه شد. علاوه بر این در انتخاب مشارکت‌کنندگان ویژگی‌های متفاوتی در نظر گرفته شد که حداکثر تنوع در آنان ایجاد شود و راهبردهای مراحل مختلف به‌طور کامل و با جزئیات مشخص شرح داده شد تا پژوهش‌های مشابه نیز به نتایج نزدیک برسند.

ملاحظات اخلاقی

مصاحبه‌ها با افراد به‌دوراز هر نوع سوگیری شخصی در بازه زمانی مناسب که مشارکت‌کننده امکان شرکت در مصاحبه را داشتند، با تمایل او و اطلاع والدین انجام می‌گرفت؛ و در ابتدا هدف از پژوهش و نقش مشارکت‌کنندگان در پژوهش به‌طور دقیق

مشخص می‌شد؛ و به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده می‌شد که آنچه در طول مصاحبه می‌گذرد کاملاً محرمانه و بدون ذکر نام در پژوهش می‌آید و نتایج پژوهش در صورت تمایل به او داده خواهد شد. پیش از مصاحبه، از مشارکت‌کنندگان برای ضبط کردن طول مصاحبه اجازه خواسته می‌شد؛ و در طول مصاحبه‌ها از ابتدا تا انتها سعی می‌شد علی‌رغم آن که مصاحبه را به تفکری خاص سوق پیدا نکند به شخصیت و افکار مشارکت‌کننده احترام گذاشته شود. همچنین از آنجایی که پژوهش درباره چالش‌های روانی و اجتماعی نوجوانان مهاجر بود لذا سعی می‌شد مسائل شخصی فرد فقط در صورت ضرورت پرسیده شود.

یافته‌ها

یافته‌های مطالعه در دو قسمت اطلاعات جمعیت شناختی، کدگذاری و شرح کدها ارائه شده است. در قسمت اول اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در قالب جدول، بدون نام و با کد معرف آورده شده که هویت شخصی آنان پنهان بماند. در فرایند کدگذاری داده‌ها، ابتدا به نشانه‌های موجود در متن مصاحبه‌ها که بیانگر چالش‌های روانی و اجتماعی نوجوانان مهاجر در کشور ایران بودند، برچسب مفهومی زده شد (مضامین فرعی). سپس، مضامین فرعی زیرمجموعه مفاهیم کلی قرار گرفتند (مضامین اصلی). در نهایت با توجه به مضامین اصلی، مضمون‌های هسته جهت توصیف چالش‌های نوجوانان مهاجر ارائه شدند. پس از کدگذاری مصاحبه‌های انجام گرفته، ۷۲ مضمون فرعی استخراج شد و در ۱۷ مضمون اصلی و ۵ مضمون هسته‌ای طبقه‌بندی شدند که در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۱- اطلاعات جمعیت شناختی

| ردیف | سن | مدت اقامت (سال/ماه) | تحصیلات | وضعیت اشتغال |
|---------|-------|------------------------|----------------------|--------------|
| ۱ | ۱۶/۲ | ۲/۱ | ابتدایی | شاغل |
| ۲ | ۱۷/۴ | ۴/۲ | متوسطه اول | غیر شاغل |
| ۳ | ۱۵ | ۹ | دانش آموز متوسطه اول | غیر شاغل |
| ۴ | ۱۸/۱ | ۷ | دانش آموز متوسطه دوم | شاغل |
| ۵ | ۱۶/۱۱ | ۶/۱ | دانش آموز متوسطه اول | شاغل |
| ۶ | ۱۶/۱ | ۵ | دانش آموز متوسطه اول | شاغل |
| ۷ | ۱۵/۹ | ۱/۴ | دانش آموز متوسطه اول | غیر شاغل |
| ۸ | ۱۸ | ۲/۲ | متوسطه اول | شاغل |
| ۹ | ۱۶/۲ | ۷ | ابتدایی | غیر شاغل |
| ۱۰ | ۱۸ | ۶ | دانش آموز متوسطه دوم | شاغل |
| ۱۱ | ۱۷/۴ | ۱۰/۱ | متوسطه اول | شاغل |
| ۱۲ | ۱۷/۳ | ۴/۴ | ابتدایی | شاغل |
| ۱۳ | ۱۶/۸ | ۶ | ابتدایی | شاغل |
| ۱۴ | ۱۷ | ۶/۹ | ابتدایی | شاغل |
| میانگین | ۱۶/۱۰ | ۶/۶ | - | - |

جدول ۲- کدگذاری داده‌ها

| مضمین هسته‌ای | مضمین اصلی | مضمین فرعی |
|-----------------------|-------------------|---|
| مشکلات روان‌شناختی | نامیدی | ترس از آینده، انتظار رخ دادن اتفاق بدتر، فقدان انرژی، بی‌حوصلگی، نداشتن انگیزه در انجام کارها |
| | اضطراب | نگرانی در مورد سلامت خانواده و افراد نزدیک، نگرانی در مورد طرد شدن، |
| | استرس پس از سانحه | کابوس‌های همراه با پریشانی شدید، دوری از تفکر و یا صحبت درمکرد خاطرات گذشته، تحریک‌پذیری، حملات پانیک و وحشت‌زدگی |

| | | |
|-----------------|----------------------------|--|
| | خشم و عصبانیت | خشم نسبت به حکومت کشور خود، عصبانیت از افراد مجاور، خشم نسبت به تبعیض، |
| | افکار خودکشی | آرزوی مرگ، داشتن تفکر درمکرد افرادی که خودکشی می‌کنند، خودکشی به عنوان راه‌حل |
| | کمبود اعتماد به نفس | گوشه‌گیری، مقایسه مداوم خود با افراد مجاور، ناتوانی در بیان خواسته خود، ترس از انجام دادن مارها، |
| | سرزنش کردن خود | احساس منفی از نژاد و ملیت خود، احساس گناه در مورد شکل سرنوشت، احساس گناه نسبت به نقش نداشتن در سرنوشت کشور خود، احساس گناه نسبت به خانواده و دل‌تنگی آن‌ها |
| چالش‌های فرهنگی | تفاوت با افراد مجاور | عدم آشنایی با فرهنگ ایران، مشکلات زبانی و تفاوت لهجه، شناخت اندک از فرهنگ و اعتقادات افراد مجاور، تفاوت علایق |
| | نداشتن الگو | نداشتن الگوی مناسب، اجتناب از تکرار رفتار والدین، ترس از انتقال خصوصیات والدین |
| | بدبینی نسبت به افراد مجاور | سرزنش افراد مجاور، اعتماد نکردن، دوری کردن، احساس عدم امنیت |
| | درک نشدن | نداشتن صمیمیت با افراد مجاور، تفاوت در میزان صمیمیت |
| | دریافت تبعیض | کنترل شدن در روابط، احساس بی‌اعتنایی، دریافت انتقاد و سرزنش، احساس اضافه بودن |
| | احساس جدایی | ترس در ایجاد روابط جدید، دامنه روابط محدود، تفاوت با افراد مجاور، احساس بی‌پشتوانه بودن، تنهایی در شادی و غم‌ها، تنهایی در حل مشکلات، صحبت نکردن در مکالمه گروهی |
| چالش‌های شغلی | عدم سازگاری با شغل | کاهش استراحت، تبعیض در محیط کار، تحقیر صاحب‌کار، برنامه کاری سخت، آشنا نبودن با قوانین کار، ناچاری در پذیرفتن شغل |
| | محدودیت درآمد | درآمد محدود، ناتوانی در کمک مالی به خانواده، بدحسابی صاحب‌کار |

| | | |
|------------------------------------|--|---|
| مشکلات مربوط تغییر سبک زندگی | چالش زندگی گروهی | فضای محدود خانه، تقسیم مشکل مخارج، |
| | عدم تطبیق انتظارات با الزامات زندگی | تأخیر در پیگیری علایق، عدم پذیرش سختی‌ها، سرزنش دیگران، عدم تحقق رؤیاهای، مواجهه با واقعیت، |
| چالش‌های مربوط به خانواده | خانواده گریزی | تنبه بدنی در دوران کودکی، آزار جنسی توسط خانواده، ناراحتی از خانواده |
| | خلأ خانواده | نگرانی از دست دادن روابط گذشته، نداشتن رضایت از فاصله خانواده، دل‌تنگی خانواده، محدودیت‌های اینترنتی در روابط آنلاین، فقدان پشتوانه خانواده در ازدواج، دلسوزی و ترحم نسبت به والدین، |

۱- مشکلات روان‌شناختی

این مضمون از هفت مضمون اصلی «ناامیدی، اضطراب، استرس پس از سانحه، خشم و عصبانیت، افکار خودکشی، کمبود اعتماد به نفس و سرزنش کردن خود» به دست آمده است.

ناامیدی

منظور از ناامیدی احساس نارضایتی است که به دنبال برآورده نشدن انتظارات یا امیدها در نوجوانان مهاجر به وجود آمده و در پی آن نوجوانان انتظار رخ دادن اتفاقات بدتر در آینده دارند. به عنوان مثال نوجوان کد شماره ۸: «ما افغانستانی‌ها همیشه باید منتظر روزگار بد باشیم»، ترس از آینده نیز در کلام آن‌ها مشاهده می‌شود
کد شماره ۱۰:

«هر روز به این فکر می‌کنم فردا چه بدبختی سرم می‌آید» آنان همچنین در شغل‌های
فعلی خود انگیزه و حوصله کافی را به خرج نمی‌دادند

کد شماره ۱۳:

«تو کشور غریب هیچ‌کس آینده ندارد ما برای نمردن از گرسنگی مجبوریم کارگری
ایرانی‌ها را بکنیم ولی این کار رو نه می‌خواهش نه دوست دارم ادامه بدم».

اضطراب

عمدتاً نوجوانان مهاجر خصوصاً افرادی که از خانواده و خویشان خود دور بودند در مورد سلامت و رفاه آن‌ها نگرانی زیادی داشتند به عنوان مثال:

کد شماره ۱:

«هر لحظه که نفس می‌کشم نمی‌دونم پدر و مادرم هم اون لحظه می‌تون‌اند نفس بکشند».

کد شماره ۵:

«کاش همیشه برادرم رو می‌دیدم و می‌دونستم سلامته»
هم‌چنین اضطراب در مورد طرد شدن به تکرار روایت شد.

کد شماره ۳:

«کافی این آدم‌ها بفهمن تو افغانی هستی دیگه انگار آدم نیستی و باید از شون بررسی دیگه نمیزارن راحت باشی».

استرس پس از سانحه^۱

با توجه به تجربه مستقیم یا شنیدن رویدادهای مربوط به کشور افغانستان نوجوانان کابوس‌های همراه با پریشانی شدید را گزارش می‌دادند.

کد شماره ۹:

«خواب بد من افغانستانه خواب بدم جنازه‌ام جلوی مادرمه»
و عمده‌تاً از صحبت در مورد خاطرات گذشته و شرایط کشورشان دوری می‌کردند.

کد شماره ۱:

«دوست دارم یک روز را بدون فکر کردن و شنیدن از کشورم بگذرونم»؛ و این تجربه خشونت در شرایط عادی زندگی نیز آن‌ها را وحشت‌زده می‌کرد

کد شماره ۱۳:

«کافی یک صدای بلند یا صدای گریه بشنوم دیگه اون نوی تونم جلوی وحشت از خاطراتم رو بگیرم».

خشم و عصبانیت

نوجوانان خشم و عصبانیت خود را درباره رویدادها و شرایط متفاوتی روایت کردند در گفته‌های آنان عمدتاً خشم نسبت به حکومت کشور خود دیده می‌شد. به عنوان مثال: مشارکت کننده کد شماره ۷:

«کشورمون دست یک مشت آدم عوضی افتاده که اگر یکیشون به دستم می افتاد می دونستم باهاش چیکار کنم».

همچنین عصبانیت از افراد مجاور آنان در زندگی فعلی نیز روایت شد و این خشم نسبت به تبعیضی بود که هم افراد هم ملیت هم افراد جامعه میزبان آن را تحمیل کرده بودند.

کد شماره ۱ گفت:

«این آدمای دیگه فکر می کنند خودشان اشرف مخلوقاتن ما دیگه حیوانیم دوست دارم ی روزی حسابشون رو برسم»
و کد شماره ۱۰:

«به این فکر می کنم اگری روز صاحب کارم رو افغانستان می دیدم چه بلایی سرش میوردم»

در بعضی از گویه‌ها نوجوانان نسبت به مشکلاتی که در زندگی فعلی خود داشتند احساس خشم می‌کردند. به عنوان مثال:

کد شماره ۴:

«شرایط من جوریه که اگر عصبانی نباشم جای تعجب داره».

افکار خودکشی

برخی از نوجوانان با توجه به شرایط فعلی آرزوی مرگ داشتند.

نوجوان کد شماره ۲:

«پیش می‌آید فکر می‌کنم خودکشی راه برای رسیدن به آسایشی که دنبالشم اما خدا زجر می‌ده و درست نمی‌دونه که کسی خودکشی کنه کاش زندگی بدی که دارم یا بدی‌هاش تموم بشه یا خدا منو بکشه».

داشتن تفکر در مورد افرادی که خودکشی می‌کنند نیز در گفته‌های آنان مشهود بود.

کد شماره ۱۲:

«وقتی می‌شنوم کسی خودکشی کرده همیشه به سرنوشتش فکر می‌کنم اگر معصیت نبود شاید خیلیا خودکشی می‌کردن»

و در مواردی از خودکشی به عنوان راه حل در دسترس یاد می‌کردند.

کد شماره ۳

«اگر روزی خودمو بکشم مشکلاتم تموم میشه».

کمبود اعتماد به نفس

عدم خودباوری و اعتماد به نفس پایین از دیگر مواردی بود که در مصاحبه با نوجوانان

مهاجر دیده شد. برای مثال:

نوجوان کد شماره ۴:

«سعی می‌کنم تا جایی که امکان داره تو جمع‌ها شرکت نکنم». مقایسه مداوم با افراد مجاور «وقتی موقعیت ایرانی هارو می‌بینم فکر می‌کنم چیزی توی ژن اون‌ها هست یا هوش بیشتری دارن».

این افراد در بیان خواسته‌های خود و عملی کردن آن نیز دچار مشکل بودند.

کد شماره ۱۳ گفت:

«هر جا که به هم زور بگن یا چیزی بخوام خیلی سخته من افغانی حرفمو بزنم»

کد شماره ۹:

«هر کاری رو خواستم شروع کنم عاقبت از حرف دوستانم ترسیدم».

سرزنش کردن خود

با توجه به موقعیت و شرایطی که این نوجوانان دارند سرزنشگری و زیر سؤال بردن خود از دیگر تجاربی است که می‌توان از صحبت‌های آنان متوجه شد.

کد شماره ۸:

«بند ناف ما افغانی‌ها رو با بدبختی بریدن»

کد شماره ۹:

«معلوم نیست خدا از افغانی‌ها چه بدی دیده که این جووری بدبختشون کرده» و مشکلات خود را به وجود خود گره می‌زند،

کد شماره ۱۲:

«نمی‌دونم الان دارم تقاص کدوم گناهم رو پس می‌دم»

همچنین به دلیل نقش نداشتن در سرنوشت کشور خود احساس گناه می‌کردند.

کد شماره ۶:

«من اینجا دارم واسه یک کشور دیگه کارگری می‌کنم کشور خودمم یک خرابه

مانده».

۲- چالش‌های فرهنگی

شامل مضامین اصلی «تفاوت با افراد مجاور، نداشتن الگو، بدبینی نسبت به افراد مجاور، درک نشدن، تبعیض» است.

درک نشدن

نوجوانان افغانستانی از درک نشدن و زندگی نکردن در میان افراد هم تراز ابراز

ناراحتی کردند.

کد شماره ۱۱:

«همیشه آدم رو مثل کارگر و زیردست نگاه می‌کنن و همیشه باهاشون رفیق شد»

همچنین از عدم ارتباط صمیمانه با افراد مجاور و تفاوت در میزان صمیمیت که ابراز و دریافت می‌کنند سخن گفتند.

کد شماره ۱۲:

«خیلی سعی کردم مثل دوستا و رفقای که تو افغانستان دارم اینجا هم پیدا کنم ولی هرچقدر خوبی کردم برام بدی کردن»

و کد شماره ۹:

«اینجا انگار هر کاری برای بقیه بکنی انگار وظیفه بوده».

دریافت تبعیض

تبعیض به معنای دریافت نگاه تعصب‌آمیز منفی در نقل قول‌های نوجوانان مهاجر دیده شد به گونه‌ای که آنان در روابط خود کنترل می‌شدند.

کد شمار ۳:

«دیگه به دستور شنیدن عادات کردم توی مدرسه محل کار همه خرحمالی‌ها رو کردن ما می‌ندازن»

زندگی در این شرایط همراه با دریافت انتقاد و سرزنش مداوم بود.

کد شماره ۴:

آدمای اینجا جوری رفتار می‌کنند انگار ارث پدرشان دست ماست والا اگر دست ما هم بود این رفتارها رو درست نبود.

کد شماره ۲:

«توی خیابون هم که یکجا بشینم آدم زیر لب فحش و لعن و نفرین می‌کنند»

و این موارد می‌تواند احساس اضافه بودن را نیز به آنان منتقل کند.

کد شماره ۸:

«اگر تو صف نانوايي هم وایسم یک ایرانی دلخور می‌شه که چرا شماها دارید نون

دولتی می‌گیرید برین کشور خودتان».

جدایی

با توجه به تجربیاتی که این نوجوانان در ارتباطات خود داشتند جدایی از دیگر مواردی است که می‌توان ذکر کرد آنان از ایجاد روابط جدید ترس داشتند.

مشارکت‌کننده کد شماره ۱:

«از آدمای جدید از کسایی که به نظر مهربونند می‌ترسم که یک روز از پشت بهم چاقو می‌زنند»

و دامنه روابط آنان محدود بود.

مشارکت‌کننده کد شماره ۱۰:

«من فقط چهارتا تعمیرکار ایرانی می‌شناسم با همینا هم بزرگ شدم»
و احساس تفاوت زیادی با افراد مجاور خود داشتند.

مشارکت‌کننده کد ۵:

«هیچ‌وقتی ایرانی نمی‌تونه من افغانی رو درک کنه»
و احساس بی‌پشتوانه بودن را نقل کردند.

مشارکت‌کننده کد شماره ۹:

«ایرانی‌ها چون بیشترند می‌تونن به هم زور بگن»

این روابط محدود و اعتماد پایین به افراد مجاور باعث احساس تنهایی در آنان است و این تنهایی در لحظات شادی و غم بیشتر نمود پیدا می‌کند.

مشارکت‌کننده کد شماره ۴:

«اینجا دیگه غم برای خودم کسی نیست حداقل بتونم بهش بگم خالی شم و مشکلاتم باید خودم تنهایی حل کنم کسی نیست کمکم کنه یا حداقل باهاش مشورت کنم».

همچنین این گروه ترجیح می‌دادند در مکالمه‌های گروهی کمتر صحبت کنند.

کد شماره ۶:

«توی جمع معمولاً حرف نمی‌زنم چون حرف زدنم میشه سوژه خنده و هیچ درکی از تفاوت ندارند».

۳- چالش‌های شغلی

چالش‌های شغلی مضمون دیگری است که از مصاحبه با نوجوانان مهاجر استخراج شد این مضمون از دو مضمون اصلی «عدم سازگاری با شغل و محدودیت درآمد» به دست آمده است.

عدم سازگاری با شغل

عدم سازش با کار، صاحب کار و اختلال در روابط کاری از چالش‌های نوجوانان و شکایت‌های آنان هست. دریافت‌هایی همچون: کاهش استراحت،

مشارکت‌کننده کد شماره ۵:

«زمانی برای نفس کشیدن ندارم یا مدرسه ام یا سرکار شبم که پیام خونه از شدت خستگی بی‌هوش می‌شم»
نگاه بالا به پایین صاحب کار،
کد شماره ۱۰:

«صاحب کارم منو استخدام کرده که بتونه خودشو روی من خالی کنه به من زور بگه فحاشی کنه چون می‌دونه من کسی رو اینجا ندارم ولی رفتارش با کارگرای ایرانی این جوریه نیست».

کد شماره ۵:

«وقتی بخوان چیزی سنگین بلند کنند یا مسافت‌های دور برن از بین همه منو صدا می‌کنن».
تحقیر صاحب کار
کد شماره ۶:

«نحوه صدا زدن حرف زدن صاحب کارم با من و دیگران فرق داره اگر با من هم مثل دیگران رفتار می‌کرد خیلی آدم خوبی بود»
برنامه کاری سخت
کد شماره ۱۰:

«کلمه افغانی با کلمه کارگر سخت یکی شده»

همچنین با وجود سخت و غریب بودن کار و همین‌طور چالش‌های موجود در محیط کاری آنان با قوانین کار آشنا نبودند.

کد شماره ۸:

«صاحب کارم معمولاً کمتر از چیزی که گفته به هم حقوق می‌ده منم نمی‌تونم هیچ حسابی بکنم که آخر ماه واسه کارم درآمد دارم»
با وجود همه این سختی‌ها آنان در پذیرش شغل ناچار بودند.

کد شماره ۱:

«برای زنده موندن تو این شهر و کشور باید حتماً کارکنم که اگر کار نکنم جایی برای خوابیدن هم ندارم».

محدودیت درآمد

مشکلات اقتصادی و محدودیت درآمد شغل‌های این گروه را در شرایط سختی قرار داده بود.

مشارکت‌کننده کد شماره ۱۱:

«حقوقم کفاف خورد و خوراک و جای خوابم رو به‌زور می‌دهد»
در کنار این موارد آنان در کمک مالی به خانواده ناتوان بودند.

مشارکت‌کننده کد شماره ۴:

«خانواده هم چشم انتظار هستن که من یک کاری بکنم یک پولی رو بهشون بدم ولی هرماه نمی‌تونم»

و بدحسابی صاحب کار مشکلات درآمدی را بیشتر می‌کرد.

مشارکت‌کننده کد شماره ۸:

«صاحب کارم بعد از یک ماه کار وقتی فهمید من کارت اقامت ندارم حقوقم رو نصفه داد».

۴- چالش مربوط تغییر سبک زندگی

تغییر سبک زندگی از دو مضمون اصلی «چالش زندگی گروهی و عدم تطبیق انتظارات با الزامات زندگی» به‌دست آمده است.

چالش زندگی گروهی

زندگی در گروه چالش‌های خاصی مثل فضای محدود خانه و زندگی برای نوجوانان دارد. همان‌طور که:

مشارکت‌کننده کد شماره ۶ گفت:

«توی یک سوراخ سگ باید باده نفر آدم دیگه زندگی کنم و هیچ فضای خصوصی‌ای برای خودم ندارم»
همچنین در این فضا با شرایط سنی پایینی که آنان دارند تقسیم مخارج مشکل است.
مشارکت‌کننده کد ۳:

«توی زندگی جمعی که تو خونه دارم به خاطر سن کمم کلاه سرم می‌زارن و با دست به یکی کردن پول بیشتری ازم می‌گیرن».

عدم تطبیق انتظارات با الزامات زندگی

گاهی اوقات انتظارات فرد با واقعیت زندگی متفاوت است و این فاصله می‌تواند زندگی را بر او سخت کند این نوجوانان از تطبیق انتظارات با الزامات زندگی برخوردار نبودند. مواردی مثل تأخیر در پیگیری علایق
کد شماره ۲:

«اینجا دیگه علاقه‌ای نمی‌مونه فقط می‌تونن کارگری رو انتخاب کنن یا بمیری»
و عدم پذیرش سختی‌ها

کد شماره ۲:

«قبل تر فکر می‌کردم مهاجرت می‌کنم میرم یک کشوری دیگه واسه خودم کسی می‌شم اما الان دیگه بدتر از این نمی‌تونستم بشم»
و مواجهه با واقعیت

کد شماره ۱۰:

«همه از سختی‌های زندگی تو غربت می‌گفتن ولی من فکر می‌کردم این سختی‌ها واسه من نیست»؛ «فکر نمی‌کردم زندگی کردن تو کشور غریب این جور باشه» شنیده شد.

۵- چالش‌های مربوط به خانواده

چالش‌های مربوط به خانواده را نیز می‌توان در نقل قول‌های مشارکت‌کنندگان به وضوح دید، این مضمون از دو مضمون اصلی «خانواده گریزی و خلأ خانواده» به دست آمده است.

خانواده گریزی

نوجوانان مهاجر عمدتاً خانواده خود را به عنوان یک فضای امن نشناخته بودند. و در نتیجه تجاربی مثل تنبه بدنی مشارکت‌کننده کد ۱۲:

«در کودکی سعی می‌کردم تنها باشم چون اونجا همیشه کتک می‌خوردم»

تجربه آزار جنسی

کد شماره ۹:

«واسه آدمایی که اونجا از من سو استفاده می‌کردند کودکی خوب و شادی نداشتم»

ناراحتی پی‌درپی از خانواده

کد شماره ۸:

«من از آدمایی که قرار بود اونجا هرروز بینم بی‌زار بودم، حرفشونو نمی‌فهمیدم»

تصمیم به مهاجرت گرفته بودم.

خلأ خانواده

مهاجرت و زندگی در یک کشور دیگر می‌تواند موجب دل‌تنگی، احساس غربت، یادآوری خاطرات و زندگی در گذشته شود چنین مواردی زمینه را برای چالش خلأ خانواده آماده می‌سازد. نقل قول مشارکت‌کنندگان در مورد هر کدام از این موارد ذکر می‌شود.

کد شماره ۹ در مورد نگرانی از دست دادن روابط گذشته:

«قدیمی هامون همیشه کنار هم زندگی می‌کردن تو یک روستا تو یک شهر حالا ما او

مدیم اینجا پدر و مادر خواهرامون افغانستان اند برادرم هم که کلاً رفته یک کشور دیگه
ممکنه دیگه به هم نرسیم»

مشارکت کننده شماره ۶ در مورد دل‌تنگی خانواده:

«همیشه به خانواده‌ام فکر می‌کنم عکساشون رو کنار خودم نگه می‌دارم»

فقدان پشتوانه خانواده در نقل قول

مشارکت کننده کد شماره ۹:

«اینجا دیگه کسی شریک غم نیست سختی‌ها رو هم تنهایی به دوش می‌کشم»

نبود خانواده در ازدواج در نقل قول

مشارکت کننده کد شماره ۱۲:

«تصمیم گرفتن برای ازواج وقتی که خانواده نباشن سخته»

و کد ۴

«بدون پدر مادر ازدواج کردن عاقبت خوبی نداره»

همچنین نگرانی و درگیری ذهنی برای آینده خانواده در کشور و وطن. دلسوزی و

ترحم نسبت به والدین نیز تکرار شد.

مشارکت کننده کد شماره ۷:

«من که اوادم اینجا هر سختی‌ای دارم برای خودمه اما همیشه به روزگار اونا فکر

می‌کنم و دلم براشون می‌سوزه».

بحث و نتیجه‌گیری

مهاجرت متناسب با جامعه میزبان و فرهنگ بومی جمعیت مهاجر پیامدهای متنوعی دارد
از این رو در پژوهش حاضر پیامدهای روانی و اجتماعی مهاجرت در گروه نوجوانان مهاجر
افغانستانی که با جمعیت زیاد در طی سال‌های متمادی ساکن ایران هستند. در شهر
رفسنجان با روش پدیدارشناسانه مورد پژوهش قرار گرفته است.

پس از مطالعه مکرر و کدگذاری مصاحبه‌ها اولین مضمون هسته‌ای اول که شکل
گرفت به بررسی مشکلات روان‌شناختی نوجوانان مهاجر مربوط بود و ۲۵ مضمون فرعی

استخراج شد که در ۷ مضمون اصلی «نامیدی، اضطراب، استرس پس از سانحه، افکار خودکشی، کمبود اعتماد به نفس، سرزنش خود» قرار گرفتند.

در باب وجود خطرپذیری در برابر مشکلات سلامت روان پیش از این در پژوهش مارس، نیومن، دادلی و گیل در سال ۲۰۰۲ روی جمعیت نوجوان مهاجر استرالیا به این نتیجه رسید شد که با توجه به مسائلی که این گروه از نوجوانان قبل از مهاجرت در کشور خود داشتند و سختی‌هایی که در فرایند سازگاری ناکامل با فرهنگ جدید متحمل می‌شوند. همواره ترس نسبت به آینده دارند. علاوه بر این نوجوانان این مطالعه امید اندکی را نسبت به امکان فراهم شدن زندگی مطلوب در کشور خود داشتند و با مرور گذشته خود به این نتیجه رسیده‌اند که در ادامه فرایند زندگی در جامعه میزبان فعلی شرایطشان از وضعیت موجود سخت‌تر خواهد شد.

در پژوهش الیاس و لمیش به وضوح به ناامیدی جمعیت مهاجر در جامعه اسرائیل اشاره کرده است و حضور در اینترنت و پیوند دوباره با جامعه قبل را راهبردی ارزشمند برای سازگاری این موضوع دانسته است (Elias & Lemish, 2009: 533).

دوباره استرس پس از سانحه در پژوهش‌های گذشته، دو عامل؛ خاطرات گذشته و وجود دستورالعمل‌های بالینی نامتناسب با فرهنگ مهاجران مؤثر شناخته شدند (Foster, 2001: 153)، اما در پژوهش حاضر در گویه‌های نوجوانان نقش خاطرات گذشته مشهود است. اما با توجه نزدیکی فرهنگی و زبانی عامل دوم در گویه‌های آنان برجسته نبود.

در رابطه با داده‌های مربوط به تمایل به خودکشی، از آنجایی که نوجوانان ناامیدی و احساس گناه نسبت به دوری از هم وطنان خود داشتند برای رهایی از این احساس گناه از صدمه زدن به خود استفاده کرده بودند. در مطالعات مهاجران در کشورهای دیگر عامل تفاوت فرهنگی در میل به خودکشی مشهود بود. در پژوهشی بین گروه‌های نوجوانان مهاجر ایالات متحده، افراد اسپانیایی تبار به احتمال زیاد به‌طور جدی‌تر به خودکشی فکر می‌کردند (Perreira & Ornelas, 2011: 195).

علی‌رغم مشابهت مشکلات روان‌شناختی نوجوانان مهاجر افغانستانی در ایران با دیگر مهاجران گویه‌های مربوط به سرزنش خود در آنان برجستگی بیشتری داشت. به گونه‌ای که مشارکت کنندگان با توجه به فرهنگ جمع‌گرای افغانستان خود را به علت نقش نداشتن در آینده کشور خود و حتی سهم نبودن در تحمل مشکلات فعلی افغانستان خود را سرزنش می‌کردند.

در مضمون هسته‌ای چالش‌های فرهنگی ۶ مضمون اصلی «تفاوت با افراد مجاور، نداشتن الگو، بدبینی نسبت به افراد مجاور، تبعیض و جدایی» شناخته شد. می‌توان گفت چه با اختیار و چه از روی اجبار همواره دوری نزدیکان آسان نیست. نوجوانان مهاجر افغانستانی با توجه به شرایط بد کشورشان همواره نگران نزدیکان خود بودند و این موضوع در ذهن آنان نقش بسته است که ارتباط خانوادگی شان دیگر مثل سابق نخواهد شد. زیرا هر کدام از اعضا در کشوری و به گونه‌ای متفاوت از هم به زندگی می‌پردازند. این شرایط جدایی همان‌طور که در مطالعات مشابه نشان داده شده بر سلامت روان و شایستگی اجتماعی عاطفی نوجوانان مهاجر تأثیر می‌گذارد (Gabrielli & Impicciatore, 2022: 2305).

همچنین نوجوانان مطالعه حاضر در محیط تحصیل و محیط شغلی خود به شدت با تعصب و تبعیض کنترل می‌شدند و مورد زورگویی قرار می‌گرفتند و از آنجایی که بعضی از نوجوانان مجوز اقامت را نداشتند نمی‌توانستند واکنشی به این رفتار داشته باشند. همان‌طور که (Safflarski & Boudri, 2019) میان گروه‌های مهاجر مشخص کرد، تبعیض ادراک شده با سلامت روان ارتباط منفی دارد؛ و باید توجه داشت پیامدهای این نگرش و ارائه رفتارهای منفی، تعیین‌کننده‌های کلیدی آینده اجتماعی فرهنگی جامعه میزبان است و با این نوع نگرش منفی و تعصب آمیز خود را از داشتن افراد سالم و همدل محروم می‌کند. مشارکت کنندگان با توجه به تبعیض‌های که در زندگی روزمره خود تجربه کرده بودند، هر نوع رفتاری، حتی رفتارهای خیرخواهانه را از دید منفی برداشت می‌کردند و

نمی‌توانستند دید مثبت را در افراد مجاور خود درک کنند و صمیمیت مقوله‌ای گم‌گشته در زندگی آنان بود.

نوجوانان مطالعه حاضر علی‌رغم احساس گناه نسبت به همراه نبودن با خانواده خود سعی می‌کردند از تکرار رفتار والدین خود اجتناب کنند. زیرا نوع دیدگاه والدین خود را مسبب شرایط فعلی و آوارگی هم‌نسلان خود می‌دانستند. ریسک‌پذیری غالب در دوره نوجوانی و آشنایی نوجوانان مهاجر با فرهنگ‌های گوناگون می‌تواند توجه‌کننده این دیدگاه باشد که نوجوان به کاوش گزینه‌های رفتاری دیگر بپردازد؛ و از تکرار رفتار والدین خود مبنی بر پذیرش بی‌قید و شرط شرایط اجتناب کنند. همان‌طور که کومی برایی و اسمیت در سال ۲۰۲۰ در پژوهش روی نوجوان مهاجر غرب آفریقا مشخص کردند که کشمکش بین والدین و نوجوان در پذیرش اعتقاداتشان وجود دارد همچنین (Allison & Takei, 2020: 1) به فرهنگ‌پذیری مشکل نوجوانان مهاجر بین ارزش‌های متضاد خانواده و جامعه میزبان اشاره کردند (Allison & Takei, 2020: 1).

با توجه به نزدیکی فرهنگی ایران و افغانستان نسبت به جمعیت‌های مهاجر کشورهای دیگر تفاوت فرهنگی نمود کمتری در گویه‌ها نشان داد و نقطه تمرکز چالش‌ها نبود در مطالعه منگیستو و هورنچیک^۱ تفاوت زبانی موجب گسست افراد اتیوپیایی از جامعه ساکن در اسرائیل می‌شد (Mangisto & Hornchik, 2020: 87) ولی در این پژوهش صرفاً در گویه‌ها تفاوت لهجه مشهود بود. که موجب تمایز و شناسایی این نوجوانان در مراودات می‌شد. هم‌چنین عدم آشنایی با فرهنگ در بعضی از موارد خاص خود را برجسته کرد. که اگر این مورد زیاد باشد همان‌طور که چها^۲ و همکاران در افراد آسیایی تبار ساکن ایالات متحده نشان داد به عاملی منفی در جستجوی خدمات سلامت روان تبدیل می‌شود (Cheha et al, 2020: 14-15) ولی در این مطالعه تعصب‌ها فرهنگی و سوگیری‌های منفی این نقش را داشتند.

1. Mengisto & Horenczyk
2. Cheah

چالش‌های شغلی در گویه‌های نوجوانان مهاجر در مضمون‌های اصلی «عدم سازگاری با شغل و محدودیت درآمد» دسته‌بندی شدند. با توجه به اینکه مصاحبه‌شوندگان در سن‌های متفاوت و با توانایی‌های بدنی غیر یکسان بودند، سختی‌های پذیرش شغل برای آنان یکسان نبود. زیرا با توجه به عدم اعتماد صاحبان مشاغل به این گروه و وجود کلیشه‌های شغلی که شامل کارهای بدنی سنگین می‌شود آنان در مشاغلی که متناسب با ظرافت‌های نوجوانی نیست محدود شده‌اند و ناچار به پذیرش نقش شغلی‌اند زیرا حمایت کافی را از سوی خانواده دریافت نمی‌کنند و عدم آشنایی با قوانین کار در اولین تجربه‌ها و وجود تحقیر و تبعیض در محیط شغلی و ایجاد سازگاری بین درس و شغل به سختی‌های این گروه می‌افزاید.

همچنین با وجود اینکه این گروه درآمد محدودی دارند در خانواده و افراد نزدیک با انتظارات نامتناسب درآمدی روبه‌رو می‌شوند و در مواردی بخشی از هزینه زندگی نزدیکان خود در کشورهای دیگر را تأمین می‌کنند؛ و در گفته‌های آنان این موارد موجب دور شدن آنان از رؤیایها و علایقشان خواهد شد.

در خیلی از موارد علی‌رغم آنکه تصویر مطلوبی از آینده پیش از مهاجرت وجود داشت شرایط به گونه‌ای رقم خورده بود که مشارکت کنندگان بدون سرمایه وارد کشور ایران شده و به ناچار به زندگی گروهی در فضاهای محدود می‌پرداختند. که در این موارد نیز به دلیل تسلط افراد بزرگ‌تر، آنان را با تقسیم نامناسب مخارج و تبعیض روبه‌رو می‌شدند و بخشی بزرگی از مشکلات زندگی آنان شکل می‌گرفت.

در مضمون هسته‌ای چالش‌های مربوط به خانواده، گویه‌های نوجوانان مهاجر در مضمون‌های اصلی «خانواده گریزی، خلأ خانواده» دسته‌بندی شدند پیش‌ازاین مشخص شده است که موارد ناراحت‌کننده و ماندگار در کودکی مثل آزار جنسی، تنبیه بدنی و کیفیت نامطلوب رابطه والد فرزند با توجه به زنجیره وار بودن فرایند رشد بر سال‌های بعدی زندگی تأثیر می‌گذارند (Saleem et al, 2020: 1)؛ (Crandall et al, 2020: 6) این تأثیر برای

نوجوان این مطالعه به گونه‌ای بود که این موارد با مسائل جامعه ترکیب شدند و آنان تنها راه تغییر شرایط را مهاجرت دیدند.

و در رابطه با خلأ خانواده در گویه‌های نوجوانان مهاجر نگرانی از تکرار نشدن روابط گذشته، نداشتن رضایت از فاصله ایجادشده، در کنار محدودیت‌های اینترنتی برای ایجاد ارتباط نشان داده شد، همچنین این گروه از نوجوانان و در رابطه با مسائل ازدواج آینده خود بدون وجود حمایت و راهنمایی والدین نگران بودند. در این زمینه (Garccini et al, 2022) تأثیر تغییر نوع ارتباط و پویایی‌های خانواده مهاجر را بر عوامل استرس‌زای سلامت روان آنان نشان دادند.

با توجه به اینکه پژوهش حاضر بر روی گروه محدودی از نوجوانان مهاجر در شهر رفسنجان انجام شده است، باید در تعمیم نتایج به گروه‌های دیگر با احتیاط بیشتری عمل شود؛ هرچند که اساساً در مطالعات کیفی تعمیم نتایج هدف پژوهشگر نیست.

محدودیت دیگر در این مطالعه، مربوط به فرایند مصاحبه است که با وجود تلاش پژوهشگر جهت پرهیز از هرگونه سوگیری در فرایند پژوهش، ممکن است تحلیل آنان در نتایج مصاحبه تأثیر گذاشته باشد. درعین حال پیشنهاد می‌شود جهت روشن‌تر شدن هر یک از چالش‌ها، پژوهش‌های مشابه در شهرهای دیگر با روش‌های متفاوت صورت گیرد.

همچنین با توجه به یافته‌های این پژوهش در جهت رفع هر یک از چالش‌ها، لازم است برنامه‌ای تدوین شود تا در مکان‌هایی مانند مدارس که این نوجوانان قابل دسترسی هستند به خدمات سلامت روان ویژه دسترسی داشته باشند. و با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، معلمان، مشاوران و مددکاران اجتماعی که با این گروه در ارتباط‌اند به راهبردهایی جهت ارائه خدمات مؤثرتر آگاه شوند تا خدمات متناسب با این گروه را فراهم آورند.

مددکاران اجتماعی منبع حیاتی پشتیبانی و حمایت از جمعیت مهاجر کشور هستند. در سطح کلان آنان می‌توانند با سازمان‌دهی مجدد جامعه پیرامون مسائل مهاجرت و عدالت نژادی، تشویق بنیادها به تأمین بودجه بیشتر برای طرح‌های سازمان‌دهی مهاجران، و رایزنی

بررسی چالش‌های روانی و اجتماعی نوجوانان... عظیمی و همکاران | ۲۰۳

با قانون‌گذاران درباره سیاست‌هایی که بر آنان تأثیر می‌گذارد، به عنوان مدافع عمل کنند. و در سطح خرد مددکاران اجتماعی با کمک به شناسایی مسیر آموزشی، مراقبت‌های بهداشتی و سیستم‌های قانونی، یافتن شغل می‌توانند به مهاجران در سفرشان برای ساختن یک زندگی جدید کمک کنند. همچنین مشاورانی که خدمات خود را به نوجوانان مهاجر ارائه می‌دهند، می‌توانند شایستگی‌های فرهنگی را در خود رشد دهند به گونه‌ای که از تعصبات فرهنگی، مفروضات، عقاید از پیش تعیین شده خود، آگاه باشند و با شناسایی جهان‌بینی و چالش‌های مراجع با زمینه فرهنگی متفاوت، راهبردهایی مرتبط و حساس به فرهنگ را در خدمات خود جای دهند.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافی میان نویسندگان وجود ندارد.

سپاسگزاری

از کلیه نوجوانان افغانستانی و والدین آنان که تجارب خود را برای ما نقل کردند صمیمانه تشکر می‌شود.

ORCID

Ali Azimi



<https://orcid.org/0009-0006-2961-2141>

Maryam Hayati



<https://orcid.org/0009-0009-9949-9465>

Kianoush Zaharakar



<https://orcid.org/0000-0002-7845-2934>

منابع

- بخشی، محبوبه. (۱۳۹۶)، بررسی وضعیت آموزشی کودکان مهاجر افغانستانی در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی. دانشگاه تهران
- حاجی حسینی، حسین (۱۳۸۵)، سیری در نظریه‌های مهاجرت. علوم سیاسی، سال سوم شماره ۱۴: ۴۶-۳۵
- حمیدی، فریده؛ نصری، صادق و حافظی، نرگس، (۱۳۹۹)، اثربخشی روان‌نمایشگری بر اضطراب اجتماعی دختران نوجوان مهاجر: با تأکید بر مهاجران افغان. نشریه رویش روان‌شناسی، سال نهم شماره ۵: ۳۱-۳۸.
- زرقانی، هادی و موسوی، زهرا، (۱۳۹۲)، مهاجرت‌های بین‌المللی و امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال شانزدهم شماره ۵۹: ۲۶-۷
- سجادی‌پور، فرزانه و جمالی یوسفی، ابراهیم، (۱۳۹۵)، زنان افغان مهاجر و چالش‌های بازگشت به وطن (مطالعه موردی: زنان مهاجر افغان ساکن شهر مشهد. نشریه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، سال ششم شماره ۲: ۱۵۱-۱۳۱.
- سنقری، ناهید؛ فکر آزاد، حسین و معارف‌وند، معصومه. (۱۳۹۴)، موانع ادغام اجتماعی نوجوانان افغانستانی در جامعه ایرانی (مطالعه موردی شهر تهران)، نشریه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال سوم شماره ۵: ۱۰۱-۱۲۴
- عباسی شوازی، محمد جلال؛ صادقی، رسول و محمدی، عبدالله. (۱۳۹۵)، ماندن یا مهاجرت دوباره مهاجران بازگشته افغانستانی از ایران به کشورشان و عوامل تعیین‌کننده آن. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یازدهم شماره ۲۲: ۱۰-۴۱.
- Abbasi-Shavazi, M. J., & Sadeghi, R. (2015). Socio-cultural adaptation of second-generation Afghans in Iran. *International Migration*, 53(6), 89-110.
- Abrahamsson, L., & Johansson, J. (2013). One Hundred Years of Inertia: An Expos? of the Concept of the Psychosocial Work Environment in Swedish Policy and Research. *Old site of Nordic Journal of Working Life Studies*, 3(1), 4-30.
- Adair, J. K. (2015). The impact of discrimination on the early schooling experiences of children from immigrant families.
- Allison, Kevin W., and Yoshi Takei. (2020). Diversity: The cultural contexts of adolescents and their families. In *Early adolescence* (pp. 51-69). Routledge.

- Belhadj Kouider, E., Koglin, U., & Petermann, F. (2014). Emotional and behavioral problems in migrant children and adolescents in Europe: a systematic review. *European child & adolescent psychiatry*, 23, 373-391.
- Beregovaya, E. B., Ushakova, O. B., Antonova, M. A., Pak, L. G., Saitbaeva, E. R., Musafirov, M. K., ... & Savenko, O. E. (2019). Organizational and methodical directions of integrative programs implementation for adolescent creative development and social adaptation. *Humanities & Social Sciences Reviews*, 7(4), 1120-1127.
- Berezina, T. N., Rybtsova, N. N., & Rybtsov, S. A. (2020). Comparative dynamics of individual ageing among the investigative type of professionals living in Russia and Russian migrants to the EU countries. *European Journal of Investigation in Health, Psychology and Education*, 10(3), 749-762.
- Bogaerts, A., Claes, L., Buelens, T., Verschueren, M., Palmeroni, N., Bastiaens, T., & Luyckx, K. (2021). Identity synthesis and confusion in early to late adolescents: Age trends, gender differences, and associations with depressive symptoms. *Journal of Adolescence*, 87, 106-116.
- Branje, S., De Moor, E. L., Spitzer, J., & Becht, A. I. (2021). Dynamics of identity development in adolescence: A decade in review. *Journal of Research on Adolescence*, 31(4), 908-927.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Chang, C. D. (2019). Social determinants of health and health disparities among immigrants and their children. *Current problems in pediatric and adolescent health care*, 49(1), 23-30.
- Cheah, C. S., Wang, C., Ren, H., Zong, X., Cho, H. S., & Xue, X. (2020). COVID-19 racism and mental health in Chinese American families. *Pediatrics*, 146(5).
- Choy, B., Arunachalam, K., Gupta, S., Taylor, M., & Lee, A. (2021). Systematic review: Acculturation strategies and their impact on the mental health of migrant populations. *Public Health in Practice*, 2, 100069.
- Chuang, S. S., & Costigan, C. L. (2018). Current perspectives on family dynamics and relationships: The intersection of culture and immigration. *Parental Roles and Relationships in Immigrant Families: An International Approach*, 1-8.
- Crandall, A., Broadbent, E., Stanfill, M., Magnusson, B. M., Novilla, M. L. B., Hanson, C. L., & Barnes, M. D. (2020). The influence of adverse and advantageous childhood experiences during adolescence on young adult health. *Child Abuse & Neglect*, 108, 104644.
- Duinhof, E., Smid, S. C., Vollebergh, W. A. M., & Stevens, G. W. J. M. (2020). Immigration background and adolescent mental health problems: The role of family affluence, adolescent educational level and gender. *Social psychiatry and psychiatric epidemiology*, 55(4), 435-445.
- Elias, N., & Lemish, D. (2009). Spinning the web of identity: the roles of the internet in the lives of immigrant adolescents. *New Media & Society*, 11(4), 533-551.

- Foster, R. P. (2001). When immigration is trauma: Guidelines for the individual and family clinician. *American Journal of Orthopsychiatry*, 71(2), 153-170.
- Gabrielli, G., & Impicciatore, R. (2022). Breaking down the barriers: educational paths, labour market outcomes and wellbeing of children of immigrants. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 48(10), 2305-2323.
- Guthold, R., Carvajal-Velez, L., Adebayo, E., Azzopardi, P., Baltag, V., Dastgiri, S., ... & Requejo, J. (2023). The importance of mental health measurement to improve global adolescent health. *Journal of Adolescent Health*, 72(1), S3-S6.
- Hart, C. (2011). Force-interactive patterns in immigration discourse: A Cognitive Linguistic approach to CDA. *Discourse & Society*, 22(3), 269-286.
- Hull, D. (1979). Migration, adaptation, and illness: a review. *Social Science & Medicine. Part A: Medical Psychology & Medical Sociology*, 13, 25-36.
- Kirmayer, Laurence J., Lavanya Narasiah, Marie Munoz, Meb Rashid, Andrew G. Ryder, Jaswant Guzder, Ghayda Hassan, Cécile Rousseau, and Kevin Pottie. (2011). Common mental health problems in immigrants and refugees: general approach in primary care. *Cmaj*, 183(12), E959- E967.
- Kumpikaite, V., & Zickute, I. (2012). Synergy of migration theories: theoretical insights. *Inžinerinė ekonomika*, 23(4), 387-394.
- Lee, Bandy X. Structural Violence. In *Violence BX*, Lee, editors (Ed.); 2019.
- Lipson, Juliene G. (1993). Afghan refugees in California: Mental health issues. *Issues in mental health*
- Mares, S., Newman, L., Dudley, M., & Gale, F. (2002). Seeking refuge, losing hope: parents and children in immigration detention. *Australasian Psychiatry*, 10(2), 91-96.
- Markowsky, E., Wolf, F., & Schäfer, M. (2022). Immigrant bilingualism in the German labour market: Between human capital, social networks, and ethnic marginalisation (No. 68). *WiSo-HH Working Paper Series*.
- Matian, A. L. E. (2021). *Cultivating Social-Emotional Development Through Personal Connections: The Narratives of High School Graduates* (Doctoral dissertation, University of Hawai'i at Manoa).
- Mengisto, W. W., & Horenczyk, G. (2020). Hidden and actual dropout from the education system among adolescents of Ethiopian origin in Israel. In *Acculturation and School Adjustment of Minority Students* (pp. 87-102). Routledge.
- Oliveira, G. D. S., Pellegrini, G., Araújo, L. A. L., & Bizzo, N. (2022). Acceptance of evolution by high school students: Is religion the key factor?. *Plos one*, 17(9), e0273929.
- Omenka, O. I., Watson, D. P., & Hendrie, H. C. (2020). Understanding the healthcare experiences and needs of African immigrants in the United States: a scoping review. *BMC public health*, 20, 1-13.
- Orenstein, G. A., & Lewis, L. (2022). Eriksons stages of psychosocial development. In *StatPearls* [Internet]. StatPearls Publishing.
- Palmer, S. B., Gönültaş, S., Yüksel, A. Ş., Argyri, E. K., McGuire, L., Killen, M., & Rutland, A. (2023). Challenging the exclusion of immigrant peers. *International journal of behavioral development*, 47(1), 9-20.

- Perreira, K. M., & Ornelas, I. J. (2011). The physical and psychological well-being of immigrant children. *The Future of Children*, 195-218.
- Pfeifer, J. H., & Allen, N. B. (2021). Puberty initiates cascading relationships between neurodevelopmental, social, and internalizing processes across adolescence. *Biological Psychiatry*, 89(2), 99-108.
- Pieh, C., Dale, R., Jesser, A., Probst, T., Plener, P. L., & Humer, E. (2022, January). The impact of migration status on adolescents' mental health during COVID-19. In *Healthcare* (Vol. 10, No. 1, p. 176). MDPI.
- Prosek, E. A., & Gibson, D. M. (2021). Promoting rigorous research by examining lived experiences: A review of four qualitative traditions. *Journal of Counseling & Development*, 99(2), 167-177.
- Renjith, V., Yesodharan, R., Noronha, J. A., Ladd, E., & George, A. (2021). Qualitative methods in health care research. *International journal of preventive medicine*, 12(1), 20.
- Rich Madsen, K., Tjørnhøj-Thomsen, T., Jervelund, S. S., Qualter, P., & Holstein, B. E. (2021). Lonely, but not alone: Qualitative study among immigrant and native-born adolescents. *International journal of environmental research and public health*, 18(21), 11425.
- Rodriguez, D. X., Hill, J., & McDaniel, P. N. (2021). A scoping review of literature about mental health and well-being among immigrant communities in the United States. *Health promotion practice*, 22(2), 181-192.
- Rogers, A., Obst, S., Teague, S. J., Rossen, L., Spry, E. A., Macdonald, J. A., ... & Hutchinson, D. (2020). Association between maternal perinatal depression and anxiety and child and adolescent development: a meta-analysis. *JAMA pediatrics*, 174(11), 1082-1092.
- Runge, R. A., Glaesmer, H., Schmitz, J., & Nesterko, Y. (2022). Mental health in children of immigrants in Germany: the role of socio-demographic and immigration-related characteristics. *Journal of Child and Family Studies*, 1-14.
- Safi Keykaleh, Meysam, Katayoon Jahangiri, and Shahnaz Tabatabaie. (2017). Mental Health Challenges in Immigrant and Refugee Children and Adolescents: A Systematic Review. *Health in Emergencies and Disasters Quarterly*; 3 (1):3-10
- Saleem, Farzana T., Riana E. Anderson, and Monnica Williams. (2020). Addressing the "myth" of racial trauma: Developmental and ecological considerations for youth of color. *Clinical child and family psychology review*, 23, 1-14.
- Sawyer, S. M., Azzopardi, P. S., Wickremarathne, D., & Patton, G. C. (2018). The age of adolescence. *The lancet child & adolescent health*, 2(3), 223-228.
- Schwarzenthal, M. (2022). Researching intercultural competence and critical consciousness among adolescents growing up in societies of immigration. *International Journal of Intercultural Relations*, 91, 311-317.
- Sieffien, W., Law, S., & Andermann, L. (2024). Immigrant and refugee mental health during the COVID-19 pandemic: Additional key considerations. *Canadian Family Physician*.
- St-Pierre, S., Tardif-Grenier, K., & Villatte, A. (2022). Which anxiety symptoms are associated with perceived ethnic discrimination in adolescents with an

- immigrant background?. *Canadian Journal of School Psychology*, 37(2), 175-188.
- Stryker, S., & Vryan, K. D. (2003). The symbolic interactionist frame. *Handbook of social psychology*, 3-28.
 - Szaflarski, M., & Bauldry, S. (2019). The effects of perceived discrimination on immigrant and refugee physical and mental health. In *Immigration and health* (pp. 173-204). Emerald Publishing Limited.
 - Takbiri, A., Takian, A., Rahimi Foroushani, A., & Jaafaripooyan, E. (2020). The challenges of providing primary health care to Afghan immigrants in Tehran: a key global human right issue. *International Journal of Human Rights in Healthcare*, 13(3), 259-273.
 - Valdez, E. S., Chan, J., Donis, A., Collins-Lovell, C., Dixon, S., Beatriz, E., & Gubrium, A. (2023). Structural racism and its influence on sexual and reproductive health inequities among immigrant youth. *Journal of immigrant and minority health*, 25(1), 16-22.
 - Valentín-Cortés, M., Benavides, Q., Bryce, R., Rabinowitz, E., Rion, R., Lopez, W. D., & Fleming, P. J. (2020). Application of the minority stress theory: Understanding the mental health of undocumented Latinx immigrants. *American journal of community psychology*, 66(3-4), 325-336.
 - Veiga, F. H., Festas, I., García, Ó. F., Oliveira, Í. M., Veiga, C. M., Martins, C., ... & Carvalho, N. A. (2023). Do students with immigrant and native parents perceive themselves as equally engaged in school during adolescence?. *Current Psychology*, 42(14), 11902-11916.
 - Walsh, S. D., Kolobov, T., & Simanovskaya, O. (2019). What is it about perceived discrimination that can lead immigrant adolescents to alcohol use and delinquency? The mediating role of feelings of alienation. *Substance Use & Misuse*, 54(1), 65-77.
 - Yakhnich, L., & Michael, R. (2022). "I Don't Want My Children to Work so Hard": Perceptions of Parent-Child Relationships and Future Parenting Among Immigrant Young Adults. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 53(5), 451-470.

استناد به این مقاله: عظیمی، علی؛ حیاتی، مریم و زهراکار، کیانوش. (۱۴۰۲). بررسی چالش‌های روانی و اجتماعی

نوجوانان پسر مهاجر افغانستانی، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۱۰ (۳۷)، ۱۶۹-۲۰۸.



Social Work Research Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.